

## آیا حمله به ایران جدی است! بهرام رحمانی



این روزها، بار دیگر زمزمه‌های شوم زیادی در خصوص حمله به ایران شنیده می‌شود. تحلیل‌گران، کارشناسان مسایل سیاسی، دفاعی و نظامی در گفتگوهای رسمی و غیررسمی خود به بررسی این مساله می‌پردازند. تحرکات مقامات سیاسی و نظامی آمریکا و اسرائیل در کشورهای همسایه ایران (ترکیه، آذربایجان، گرجستان و...) زیاده شده و حتی سران و مقامات کشورهای دنیا در مذاکرات و بازدیدهای معمول خود، قسمتی از مباحث خود را به بررسی و عواقب فعالیت‌های هسته‌ای حکومت اسلامی ایران، تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران و حتی احتمال حمله نظامی به این کشور اختصاص می‌دهند. این مساله به حدی عمومیت یافته که رسانه‌های ایران و رسانه‌های بین‌المللی در قبال آن واکنش نشان داده و در وبلاگ‌ها و سایت‌های اینترنتی نیز مطالب زیادی در خصوص حمله احتمالی اسرائیل و آمریکا به ایران و تأسیسات هسته‌ای این کشور منتشر کرده‌اند. بنابراین، این مساله در ماه‌های اخیر افکار عمومی جامعه ایران و جهان را به خود مشغول کرده و هر کس با نگرانی از خود و اطرافیان‌ش سؤال می‌کند آیا قرار است جنگ جدیدی در منطقه پرتلاطم خلیج فارس رخ دهد؟

هنوز هیچ کسی نمی‌داند که آیا آمریکا و اسرائیل و متحدان آن‌ها واقعا در صدد حمله به ایران و بمباران مراکز اتمی ایران هستند؟

بی‌شک، اگر چنین جنگی آغاز شود، تمامی معادلات اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی خاورمیانه، این حساس‌ترین منطقه جهان را بر هم خواهد زد!

تحلیل‌گران بین‌المللی بر این باورند که آمریکا و اسرائیل به احتمال زیاد قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، که در ششم نوامبر امسال برگزار می‌شود به ایران حمله خواهند کرد. برخی دیگر، می‌گویند که این اتفاق در سال آینده میلادی خواهد افتاد.

یوگنی ساتانوسکی مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه روسیه، در گفت‌وگو با نشریه «روسیه امروز» پیش‌بینی کرده است که اسرائیل در فاصله ژانویه تا ژوئن 2013 تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی را بمباران خواهد کرد. وی در عین حال تصریح کرده که «جنگ با ایران اجتناب‌ناپذیر شده است.»

## اطلاعیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید) فاجعه زلزله آذربایجان شرقی و بی‌داد جمهوری اسلامی

عصر روز شنبه 21 مرداد 1391، زلزله شدیدی در برخی از شهرها و روستاهای آذربایجان شرقی روی داد که در اثر آن تاکنون بیش از سیصد نفر جان‌باخته و بیش از پنج‌هزار نفر آسیب دیده‌اند. آمار بی‌خاتمان شدگان در این زلزله به بیش از ده‌ها هزار نفر می‌رسد.

طبعاً در مقابل چنین رویداد دردناکی، اولین مساله‌ای که به ذهن هر انسان آزاده می‌رسد این است که جمهوری اسلامی، چه کمکی به مردم آسیب‌دیده



www.hannover.ir

این شهرستان کرده و تا چه حد توانسته است به نیازهای حیاتی فوری آنان پاسخ بدهد.

مطابق گفته‌های خود مقامات مسنول، در 15 ساعت اولیه که نیاز به کمک بیش از هر لحظه در این فاجعه است و این کمک‌ها می‌تواند از کشته شدن بخش وسیعی از زلزله‌زدگان

جلوگیری کند، هیچ کمک قابل مشاهده‌ای از سوی رژیم به عمل نیامده و بعد از آن نیز میزان کمک‌های ارسالی به منطقه کمتر از آن است که اصولاً حتی از دولت‌های ضد‌مردمی جمهوری اسلامی انتظار می‌رود. حتی رسانه‌های دولتی، به ویژه صدا و سیما، کیهان، رسالت و... نیز درباره این فاجعه عظیم انسانی خبررسانی جدی نکرده‌اند.

آمار بالای کشته و زخمی و بی‌خاتمان‌ها نشان می‌دهد که باید یک کمک‌رسانی بسیار موثر و گسترده در مقابل این رویداد به عمل آید و چنانچه این کمک‌رسانی بیش از این دچار رخوت و تعلل باشد جان گروه‌های

ص 7

### آموزگار نسل‌ها، به مناسبت چهل و پنجمین سالروز مرگ صمد

عباس سماکار ص 6

### من کافر: از کتاب گوزن و صخره - سه دفتر شعر

حسن حسام ص 7

### بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های کانون نویسندگان ایران و...؛

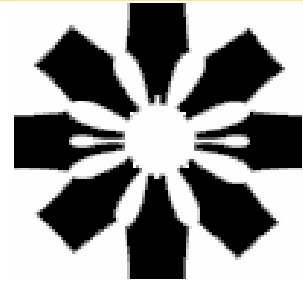
ص 7

### معرفی کوتاهی از آثار اسد رخساریان (با دو شعر جدید)

ص 8

## آیا حمله به ایران جدی است!

بهرام رحمانی



**بانگ** آخر هر ماه منتشر می‌شود

سردبیر: بهرام رحمانی

آدرس ایمیل:

[bahram-rahmani@ownit.nu](mailto:bahram-rahmani@ownit.nu)

آدرس سایت کانون:

[www.iwae.org](http://www.iwae.org)

**چند توضیح:**

- بانگ، مطالبی را درج می‌کند که تنها برای این نشریه ارسال شده‌اند.
- مطالب بانگ، با «ورد فارسی» تایپ شوند و بیش‌تر از دو صفحه 4آ نباشند.
- مسئولیت مطالبی که در بانگ درج می‌شوند با نویسندگان آن‌هاست.

**منشور**

**کانون نویسندگان ایران (در تبعید)**

- ۱- دفاع از آزادی اندیشه و عقیده برای همه افراد و گروه‌های عقیدتی و قومی بدون هیچ حصر و استثناء.
- ۲- هرکس می‌تواند افکار و عقایدی که خود می‌پسندد، داشته باشد و هیچ فرد یا گروه یا مرجعی مجاز نیست افکار و عقاید خود را بر دیگران تحمیل و یا از ابراز عقیده و برخورد آزادانه افکار و عقاید جلوگیری کند.
- ۳- دفاع از آزادی بیان و نشر، و اشاعه افکار و عقاید و آثار فکری (هنری، فلسفی و فلسفی و...) با استفاده از کلیه وسایل ممکن.
- ۴- مبارزه با هرگونه تبعیض و استثمار فرهنگی.
- ۵- در استقلال کانون از همه جمعیت‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی اعم از مستقل یا وابسته به هر نوع نظام حکومتی، کانون ضمن آن که موظف به دفاع از کلیه حقوق و آزادی‌هایی است که با آزادی اندیشه و بیان و نشر و رشد فکری و فرهنگی جامعه ارتباط دارند، نمی‌تواند و نمی‌باید به هیچ شکلی تبدیل به ابزار یا محملی برای فعالیت هیچ جمعیت، حزب یا سازمان سیاسی خاصی شود.
- ۶- همکاری با کلیه کانون‌ها و انجمن‌های مشابهی که بدون داشتن وابستگی به گروه، جمعیت، سازمان یا حزب سیاسی خاص، از آرمان‌های عام آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع می‌کنند...

ساتانوسکی، گفته است: «احتمال یک جنگ با ایران فوق‌العاده بالا است. اما ابعاد این جنگ و اثراتی که بر دشمنان ایران در منطقه مثل عربستان، بحرین، کویت، امارات متحده عربی، عمان و قطر خواهد داشت روشن نیست.»

هم‌زمان نشریه «صدای روسیه» هم به نقل از سفیر آمریکا در اسرائیل مارتین اپن‌دیک، نوشته است: «واشنگتن مطمئن بود که اسرائیل در بهار سال جاری تاسیسات اتمی ایران را بمباران می‌کند. عدم انجام این کار سبب شد آمریکا احساس کند فریب کلک‌های گمراه‌کننده اسرائیل را خورده است.»

دوچهارم، پنج‌شنبه 2 شهریور 1391 - 23 آگوست 2012، گزارشی با عنوان «اسرائیل امسال به ایران حمله می‌کند» را منتشر کرد. بنا به همین گزارش، یک کارشناس بنیاد اقتصاد کلان به کشورهای صنعتی توصیه می‌کند که با خرید نفت خام بر ذخایر استراتژیک خود بیافزایند. این کارشناس معتقد است که اسرائیل به طور قطع مراکز هسته‌ای ایران را در سال جاری بمباران خواهد کرد. پایگاه‌های اینترنتی دو روزنامه معتبر هندلزبلاوت و ولت در آلمان، به نقل از «دیوید گلدمن» نویسنده و کارشناس بنیاد اقتصاد کلان (ال‌ال‌سی) نوشته‌اند که انگیزه‌های اسرائیل برای حمله به مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در هفته گذشته بیشتر شده است. گلدمن، با اشاره به این نکته که تنش میان اسرائیل و مصر بر سر مناسبات قاهره با تهران اوج گرفته است، از کشورهای صنعتی خواسته که با خرید نفت خام بر ذخایر استراتژیک خود بیافزایند.

گلدمن، در شرایطی کشورهای صنعتی را به ذخیره نفت توصیه می‌کند که بازار نفت پس از سردی ژوئیه در هفته گذشته داغ شده است. روز چهارشنبه 22 اوت، بهای هر بشکه نفت برنت سهمیه اکتبر به 114 دلار و 61 سنت و نرخ نفت تکزاس به 96 دلار و 86 سنت رسید. هندلزبلاوت، نوشته است که چین به عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران از وابستگی خود به نفت این کشور کاسته و به جای آن از عربستان سعودی نفت بیشتری می‌خرد. کارشناس اقتصاد کلان، در حالی حمله اسرائیل به مراکز اتمی ایران را در سال جاری میلادی قطعی ارزیابی می‌کند که تهدیدها میان ایران و اسرائیل نیز تشدید شده است. هفته گذشته، روزنامه‌های اسرائیلی نوشتند که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر و ایهود باراک وزیر دفاع اسرائیل، طرح حمله به مراکز هسته‌ای ایران را تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در دست بررسی دارند. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، در ماه نوامبر برگزار می‌شود. بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی چپ اسرائیل تهدیدهای نخست وزیر و وزیر دفاع اسرائیل را مورد انتقاد شدید قرار داده‌اند.

در حالی که دولت‌های قدرتمند جهان از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سال‌هاست راه‌های مختلفی را برای حل پرونده هسته‌ای ایران ارائه می‌کنند؛ و ایران را در محاصره اقتصادی قرار داده‌اند؛ اسرائیل در تمام این سال‌ها، با جدیت فقط بر به کارگیری طرح «نظامی» علیه نیروگاه‌های هسته‌ای ایران تاکید ورزیده است.

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، در حمله به ایران تاکید می‌ورزد حتی اگر نتواند برنامه هسته‌ای را به کلی متوقف کند و تنها منجر به وقفه‌ای چند ساله شود. «مایکل اورن»، سفیر اسرائیل در آمریکا هم با نتانیاهو هم‌نظر است. ایهود باراک وزیر جنگ، ضمن موافقت با هرگونه حمله به ایران سعی می‌کند این حمله را در نزد افکار عمومی اجتناب‌پذیر کند.

او، یک روز قبل از روز قدس و سخنان تحریک‌آمیز سران و مقامات حکومت اسلامی علیه اسرائیل، گفته بود: «اسرائیل همچنان مشغول سنجش آن است که چه اقدامی باید در خصوص برنامه هسته‌ای ایران صورت پذیرد؟»

روزنامه جرزالم، پست چاپ اسرائیل، هفته گذشته خبر داد که مقامات امریکایی از اسرائیلی‌ها خواسته‌اند برای جلوگیری از ایجاد هرگونه التهاب در بازارهای مالی جهان و تنش در قیمت نفت از هرگونه اظهار نظر در خصوص حمله به ایران اجتناب شود.

لئون پاناما وزیر دفاع آمریکا، در همین باره گفته که: «من باور ندارم که آن‌ها (اسرائیلی‌ها) تصمیم گرفته باشند که آیا در این زمان می‌خواهند به ایران حمله کنند یا نه؟»

افرایم هالوی، رییس پیشین موساد نیز در گفتگو با نیویورک تایمز، هشدار داد که هفته‌های آینده، هفته‌های بسیار حساس خواهند بود. زیرا در این مدت است که تصمیم اسرائیل به حمله کردن یا نکردن به ایران گرفته خواهد شد.

کاتال دو لویزیون حکومت اسرائیل هم در تفسیری اعلام کرد: «بی‌ووال دیسکین رییس سابق شاپاک از سیاست‌های بنیامین نتانیاهو و ایهود باراک در خصوص اقدام نظامی علیه ایران به شدت انتقاد کرده است.» او، افزود: «من اعدامم را به نتانیاهو و باراک از دست داده‌ام. از نظر من این دو شایستگی فرماندهی اسرائیل را ندارند. آنان عواقب وخیم حمله به ایران را در نظر نمی‌گیرند.»

حکومت اسلامی ایران نیز با تاکید به فعالیت‌های هسته‌ای خود، همچنان اسرائیل را تهدید می‌کند و خواهان نابودی آن می‌شود. بنابراین، هم سران و مقامات حکومت اسلامی و هم اسرائیل، با زبان تهدید و کینه‌توزانه و جنگ با همدیگر سخن می‌گویند.

محمود احمدی‌نژاد، جمعه 27 مرداد 1391، طی سخنانی به مناسبت روز قدس، اسرائیل را غده سرطانی توصیف کرد که باید از بین برود و تاکید کرد که خاورمیانه جدید بدون وجود اسرائیل تشکیل خواهد شد. او، تصریح کرده بود به زودی تکلیف صهیونیست‌ها یک سره خواهد شد.

سران کاخ سفید همان روز، در واکنش به سخنان احمدی‌نژاد درباره اسرائیل، عکس‌العمل نشان دادند و اعلام کردند که این سخنان به قدری تفرقه‌انگیز و کینه‌توزانه است که باید بلافاصله از سوی جامعه جهانی محکوم شود.

بان‌کی مون، دبیرکل سازمان ملل هم این موضع احمدی‌نژاد را نگران‌کننده خواند و تاکید کرد منطقه خاورمیانه نیاز به آرامش دارد. وی افزود: «اظهارات احمدی‌نژاد ممکن است تنش‌ها در منطقه را تشدید کند.»

## آیا حمله به ایران ... بهرام رحمانی

سیدعلی خامنه‌ای، دو روز قبل از روز قدس، در دیدار با «آزادگان هشت سال جنگ»، گفت: «ما نجات فلسطین از سلطه و جنگال صهیونیست و حامیان بین‌المللی آن‌ها را یک وظیفه دینی می‌دانیم و قطعا زنده دروغین و جعلی صهیونیستی از صحنه جغرافیا محو خواهد شد.»

سردار غلامرضا جلالی، رییس سازمان پدافند غیر عامل حکومت اسلامی هم یک روز قبل از روز قدس در پیامی گفت که هیچ راهی جز نابودی اسرائیل وجود ندارد.

سرلشکر حسن فیروزآبادی، رییس ستاد کل نیروهای مسلح نیز چند ماه قبل و در آستانه نشست ایران و I+5 در بغداد گفته بود: «ملت ایران پای آرمان خود تا نابودی کامل اسرائیل ایستاده است.»

حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله نیز روز قدس امسال تصریح کرد که هرگونه ماجراجویی بر ضد ایران منجر به نابودی کامل اسرائیل خواهد شد. او، افزود: «ما می‌توانیم زندگی میلیون‌ها صهیونیست را در هر نقطه از اسرائیل به جهنم واقعی تبدیل کنیم و می‌توانیم چهره این رژیم را تغییر دهیم.»

در شرایطی که اکثریت مردم اسرائیل، مخالف حمله به ایران هستند سخنان سران حکومت اسلامی و حزب‌الله علیه اسرائیل، بیش‌تر بهانه به دست سران حکومت اسرائیل می‌دهد تا بر موضع جنگ طلبانه خود تاکید ورزند.

تازمترین نظرسنجی‌ها در اسرائیل نشان می‌دهد که تنها یک سوم مردم این کشور با حمله یک‌جانبه به تاسیسات اتمی ایران موافقت. اکثریت اسرائیلی‌ها مایلند که در صورت لزوم اسرائیل با همکاری آمریکا دست به چنین اقدامی بزند. با این حال نگرانی‌ها درباره احتمال حمله اسرائیل به ایران بیش‌تر شده است.

به این ترتیب، در این روزها در رابطه با حمله اسرائیل به ایران، به عنوان یک فرضیه است. اما در عین حال، جامعه جهانی در گذشته شاهد این واقعیت بود که نیروی هوایی اسرائیل، نیروگاه‌های اتمی عراق و سوریه را بمباران کرده است و در این مورد تجارب زیادی دارد.

در سال 1981، زمانی که حکومت صدام حسین مشغول جنگ با ایران بود، نیروی هوایی اسرائیل در یک حمله ناگهانی با رمز «اپرا» و بدون مجوز سازمان ملل تنها راکتور اتمی عراق را «اوسیراک» را بمباران کرد و از بین برد.

عملیات اورچارد (Operation Orchard) در سال 2007، صورت گرفت. نیروی هوایی اسرائیل در عملیاتی مخفیانه به تاسیسات هسته‌ای سوریه حمله کرد و این تاسیسات را از بین برد.

حکومت سوریه پس از این حمله، هیچ عکس-العمل نشان نداد و به دلایل نامعلومی ترجیح داد سیاست سکوت در پیش گیرد.

حقیقتا سنوالات متعدد و نگران‌کننده‌ای درباره حمله هوایی و موشکی اسرائیل به ایران

مطرح است. از جمله این که آیا بعد از حمله احتمالی به ایران، چه اتفاقی روی خواهد افتاد؟ عکس‌العمل متقابل حکومت اسلامی، چه خواهد بود؟ برای جواب به این سنوالات طبیعتا باید سناریوهای احتمالی سنجیده شود. سناریو محتمل‌تر، آن است که پاسخ حکومت اسلامی، پاسخی نظامی خواهد بود و پایه اصلی آن نیز حمله با موشک‌های دوربرد است. به علاوه عملیات‌های به اصطلاح «شهادت‌طلبانه»، یعنی عملیات «انتحاری» علیه اهداف اسرائیل و حامیان آن، با فعالیت گروه‌های «حزب‌الله» ایرانی و لبنانی و فلسطینی و غیره خواهد شد.



**دو فروند جنگنده اف-16 فابینگ فالکن و سه فروند جنگنده اف-15 ایگل متعلق به نیروی هوایی آمریکا، در حال پرواز بر فراز چاه‌های نفت به آتش کشیده‌شده کویت در جریان جنگ خلیج فارس در سال 1991 میلادی.**

سران و مقامات حکومت اسلامی ایران، که خود به دنبال جنگ و ترور و وحشت و آدم‌کشی هستند، بی‌شک در مقابل حمله اسرائیل، بلافاصله عکس‌العمل نشان خواهند داد و پاسخ حمله نظامی را به سرعت با حمله نظامی متقابل خواهند داد. حتی ممکن است تاسیسات هسته‌ای اسرائیل، اولین هدف موشک‌های دوربرد ایران واقع خواهند شد. هر چند که اسرائیل پدافند قدرتمندی برای حفاظت از این تاسیسات مستقر کرده اما باز هم در مقابل موشک‌باران‌های احتمالی حکومت اسلامی، آسیب‌پذیر خواهند بود. ژنرال بیژن، مدعی شده است اصلاحات سیستم Arrow-2 که به تازگی اعمال شده قادر است موشک‌هایی که دو کلاهک جداگانه که یکی از آن‌ها برای گمراه کردن سیستم‌های ضد موشک است را شناسایی کرده و آن را نابود کنند. ولی از آنجایی که موشک‌های جدید ایران از قابلیت رادار گریزی برخوردارند و رادارهای اسرائیلی نمی‌توانند آن‌ها را ردیابی کنند صحت اظهارات این ژنرال اسرائیلی در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است.

احتمالا اسرائیل با حملات موشکی حزب‌الله لبنان نیز روبرو خواهد شد. جنگ 33 روز، اسرائیلی-ها و حزب‌الله یک نمونه زنده‌ای در این مورد است.

گفته می‌شود که اسرائیل با دارا بودن 100 الی 200 کلاهک هسته‌ای، تنها کشوری در منطقه خاورمیانه می‌باشد که از سلاح اتمی برخوردار است. اما به نظر نمی‌رسد که قادر به استفاده از این سلاح‌های ویرانگر و کشتار جمعی باشد. چون‌که به یک جنگ تمام عیار منطقه‌ای تبدیل می‌شود.

ایهود باراک، وزیر جنگ اسرائیل در نوامبر 2011، ادعا کرده بود که حمله به ایران موجب مرگ 50 هزار یا 5 هزار اسرائیلی نمی‌شود بلکه نهایتا به مرگ 500 اسرائیلی می‌انجامد. او در تاریخ 30 ژوئیه امسال نیز گفت که او ماسک ضدگاز خود را پس فرستاده است زیرا خطر

حمله شیمیایی، اسرائیل را تهدید نمی‌کند. با این حال، بسیاری از تحلیل‌گران و کارشناسان بین‌المللی، نظر دیگری دارند و اعتقاد دارند که هرگونه حمله اسرائیل به ایران نه تنها اسرائیل، بلکه منطقه را به خاک و خون خواهد کشید.

مصطفی العانی، کارشناس امنیتی و دفاع مرکز بررسی‌های استراتژیک الخلیج در دبی، گفته است: کشورهای عربی منطقه در بحران هسته‌ای ایران تصمیم ساز نیستند و نمی‌توانند علیه ایران یا آمریکا اعمال فشار کنند و یا این که اسرائیل را از حمله نظامی به ایران منع کنند.

وی، ضمن تاکید درباره نگرانی از حمله نظامی اسرائیل به ایران، می‌گوید: کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (عربستان، کویت، قطر، بحرین، امارات و عمان) نخستین قربانی این حمله نظامی خواهند بود به ویژه که انتقام ایران در این کشورها صورت خواهد گرفت. (اشاره به حمله احتمالی ایران به منافع و پایگاه‌های استقرار نیروهای آمریکایی در کشورهای خلیج فارس)

اما آنچه که مهم و سرنوشت‌ساز است حتی اگر اسرائیل بدون موافقت مقامات آمریکایی به ایران حمله کند و ایران نیز عکس‌العمل متقابل انجام دهد آمریکا و متحدانش نظارمگر نخواهند بود و به یاری اسرائیل خواهند شناخت.

آمریکا، خلیج فارس و شیخ‌نشین‌های اطراف آن را به زرادخانه و پایگاه‌های مهم نظامی خود و انبار سلاح‌های پیشرفته‌اش تبدیل کرده است.

گفته می‌شود شمار هواپیماهایی که در دو ناو هواپیمابر آمریکا مستقر هستند برابر با کل نیروهای هوایی اسرائیل و شامل 400 فروند از انواع جنگنده و جنگنده بمب‌افکن هاست. آمریکا در کل صاحب 11 ناو هواپیمابر است. دو فروند از این ناوها، هم‌اکنون در خلیج فارس مستقر هستند.

نیروی هوایی آمریکا، اولین سری از بمب‌های سنگر شکن 15 تتی محصول شرکت «بونینگ» را دریافت کرده است که قادرند به تاسیسات و ساختارهای زیرزمینی نفوذ کرده و آن‌ها را تخریب کنند. این بمب‌ها، برای حمل توسط بمب‌افکن‌های مدل ب 2 طراحی و ساخته شده‌اند. سخن‌گوی نیروی هوایی آمریکا، در بیانیه کوتاهی اعلام کرده که این نیرو، بمب‌های سنگر شکن جدید را از ماه سپتامبر گذشته دریافت کرده است.

این بمب‌ها که 300 میلیون دلار در زمینه مطالعه و تولید آن هزینه صرف شده و ساخت شرکت بونینگ است، 15 تن وزن دارد که 5 تن آن حاوی مواد منفجره است. این بمب‌ها که به آن‌ها لقب «مادر بمب‌ها» داده شده، از آن قبیل بمب‌هایی است که زمان انفجار آن، به شعاع چندین کیلومتر اطراف خود را می‌سوزاند و تخریب می‌کند. این بمب‌ها می‌توانند 61 متر در درون بتن یا دل کوه فرو روند و هدف را تخریب نمایند. این بمب‌ها که سنگین‌تر از بمب‌افکن‌های اف 15 یا اف 16 است، نمی‌تواند روی این هواپیماها نصب شوند. چنین بمبی، تنها می‌تواند از سوی یک بمب‌افکن سنگین حمل شود که از یکی از پایگاه‌های آمریکا در سراسر دنیا پرواز می‌کند. آمریکا دارای پایگاه‌های متعددی در سراسر دنیا است و در مورد ایران، بمب‌افکن‌ها احتمالا از «دیگو گارسیا» در اقیانوس هند پرواز خواهند کرد.

این بمب‌افکن‌ها در ارتفاع بسیار زیاد که در تیررس ضد هوایی نیست، بمب خود را پرتاب می‌کنند. آمریکایی‌ها، همچنین بمب‌افکن‌های

## آیا حمله به ایران ... بهرام رحمانی

راهبردی در اختیار دارند که برخی از آن‌ها رادار گریز بوده و به راحتی می‌توانند به ایران برسند. اخیراً یک ناو هواپیمابر آمریکا، چهار ماه پیش از موعد راهی خاورمیانه شده است، وزیر دفاع آمریکا در این خصوص اعلام کرده است که «آمریکا برای تهدید از سوی ایران و بحران سوریه خود را آماده می‌کند».



اما عجیب است که چرا این نویسندگان، صراحتاً علیه احتمال جنگ موضع نگرفته‌اند و تنها آن را به آرای کل کابینه اسرائیل ارجاع داده‌اند؟! امضاءکنندگان نامه، دفتر وکالت میثائیل اسفارد در تل‌آویو را مأمور پیگیری نامه خود در نزد دادستان کل کرده‌اند.

اسفارد، ضمن تسلیم نامه نویسندگان به دادستان کل در نامه خود نوشته است: «حمله، نتایج سنگینی خواهد داشت. به این دلیل باید کل

دولت درباره آن تصمیم بگیرد». آن‌ها تا روز یکشنبه 26 اوت 2012 برابر با 6 شهریور 1391، برای پاسخ‌گویی به درخواست حقوقی خود به دادستان کل مهلت داده‌اند.

امضاءکنندگان نامه، اعلام کرده‌اند که اگر دادستان کل نتواند راحل حقوقی برای محدود ساختن اختیارات نتانیاها و ایهود باراک پیدا کند، با امضای نامه دیگری به دادگاه عالی اسرائیل مراجعه کنند. آن‌ها روز 13 اوت امسال نامه‌دیگری به نتانیاها نوشتند، اما تاکنون پاسخی دریافت نکرده‌اند. دادستان کل، مهم‌ترین مشاور حقوقی نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل است.

برای جلوگیری از این که تعداد معدودی از سیاست‌مداران اسرائیلی آتش جنگ با ایران را شعلور کنند، نویسندگان و روشنفکران دیگری نیز در اسرائیل دست به تلاش‌های مشابه زده‌اند. به عنوان نمونه «دیوید گروسمن» نویسنده سرشناس اسرائیلی، اول اوت امسال در مصاحبه با «فرانکفورتر آلکمیانه» چاپ آلمان خواستار آن شد که موضوع حمله به تاسیسات اتمی ایران در اسرائیل به بحث عمومی گذاشته شود. در بین احزاب اسرائیلی، می‌توان گفت که فقط حزب راست‌گرای لیگود است که با حمله به ایران موافق است. شرایط اقتصادی اسرائیل نیز یک فاکتور مهمی است که به تنهایی اجازه حمله به ایران را نمی‌دهد.

بر اساس ارزیابی یک موسسه تحقیقات اقتصادی، اقتصاد اسرائیل در صورت حمله نظامی به تاسیسات اتمی ایران با آسیبی 42 میلیارد دلاری مواجه خواهد شد و تا دست‌کم 5 سال آسیب‌های اقتصادی ناشی از جنگ پابرجا خواهند ماند.

گروه اطلاعات تجارت (بی‌دی‌ای) در اسرائیل تخمین زد که در صورت حمله اسرائیل به تاسیسات اتمی ایران، اقتصاد این کشور با آسیبی معادل 42 میلیارد دلار مواجه خواهد شد.

در گزارش این موسسه تحقیقات اقتصادی که روز سه‌شنبه 21 اوت 2012 منتشر شد، تاکید

شده که این میزان خسارت تقریباً معادل 5/4 درصد از قیمت کل تولیدات داخلی اسرائیل در سال گذشته میلادی است.

این گزارش، همچنین پیش‌بینی کرده که آسیب غیرمستقیم اقتصادی ناشی از حمله نظامی به ایران تا دست‌کم 5 سال بر اقتصاد اسرائیل ضربه خواهد زد. برآورد شده که این آسیب سالانه معادل 24 میلیارد دلار شکل اسرائیل خواهد بود. «شکل»، واحد پول اسرائیل است.

از سوی دیگر، حکومت اسلامی ایران، چندین بار تهدید کرده است که در پاسخ به تشدید تحریم‌ها علیه تهران، ممکن است تنگه هرمز را به روی کشتی‌ها ببندد. در واکنش به این تهدیدها، آمریکا و متحدانش دست به اقداماتی مانند آماده‌سازی نیروهایشان برای مین‌زدایی تنگه هرمز زده‌اند، تا مانع از این کار شوند.

مقام‌های آمریکایی، بارها اعلام کرده‌اند که اقدام احتمالی ایران در بستن تنگه هرمز را تحمل نخواهند کرد و این اقدام، «خط قرمز» ایالات متحده محسوب می‌شود.



روشن است که بستن تنگه هرمز، کار آسانی نیست اما حتی اگر حکومت اسلامی بتواند برای مدت کوتاهی هم اختلالی در رفت و آمد کشتی‌های نفتکش به وجود آورد، باز هم سبب بحران و گرانی نفت در بازارهای جهانی خواهد شد. از لحاظ حقوقی، تنگه هرمز یک گذرگاه بین‌المللی است و بر پایه معاهدات بین‌المللی ناظر بر دریاهای و کنوانسیون 1982 سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاهای، که در مونتگو بی (جامائیکا) به امضا رسید، هرگونه کشتی، با هر پرچمی، حق دارد از آن عبور کند.

از لحاظ اقتصادی، نفت خود ایران از تنگه هرمز می‌گذرد و تنش در این تنگه اول از همه منافع ایران را به خطر می‌اندازد. چین که یکی از عمده‌ترین متحدان حکومت اسلامی ایران است، با بسته شدن این تنگه، بیش از غربی‌ها زیان می‌بیند.

و به لحاظ نظامی نیز روشن است که نیروی دریایی ایران نمی‌تواند با قدرت عظیم دریایی غرب، که در خلیج فارس مستقر است، مقابله کند.

هر روز حدود شانزده میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز به طرف بازارهای جهانی می‌رود، ولی با توجه به تهدیدهای حکومت اسلامی، به نظر می‌رسد که همسایگان عرب ایران بیش از پیش به مسیرهای بدیل روی می‌آورند، از جمله انتقال نفت از طریق شاه‌لوله به دریای عمان یا دریای سرخ و یا در مورد عراق، از راه ترکیه به مدیترانه.

امارات متحده عربی، اعلام کرده است که از ماه ژوئیه می‌تواند نیمی از نفت صادراتی خود را بدون عبور از تنگه هرمز به دریای عمان بفرستد.

## آیا حمله به ایران ... بهرام رحمانی

با این همه چند کشور خلیج فارس، از جمله قطر، کویت و به ویژه خود ایران، به شدت به تنگه هرمز وابسته‌اند. نهایتاً بستن تنگه هرمز، خطرات بزرگی برای خود ایران در پی دارد. زیرا هم قدرت‌های جهانی و هم منطقه‌ای در مقابل این اقدام حکومت اسلامی، عکس‌العمل شدید نشان خواهند داد.

در حال حاضر موانع زیادی بر سر راه حمله نظامی به ایران وجود دارد. از جمله موانع اصلی و مهم برای حمله نظامی به ایران، می‌توان آماده نبودن افکار عمومی را در نظر گرفت. آن طوری که افکار عمومی غرب و در راس همه برای حمله به افغانستان پس از عملیات تروریستی علیه برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در 11 سپتامبر 2001 آماده شد و یا پس از حمله صدام حسین به کویت، افکار عمومی قوی علیه این تجاوزگری حکومت عراق صورت گرفت، هنوز چنین افکار عمومی در آمریکا و جهان درباره حمله به ایران، شکل نگرفته است.

افکار عمومی آمریکا، همچنین با درس گرفتن از جنگ عراق، مخالف حمله نظامی به ایران است. آن‌ها، بر این باورند که کشورشان به بهانه‌های واهی و بی‌اساس به عراق حمله کرد و نمی‌خواهند چنین اشتباه بزرگی که هزینه‌های هنگفتی را برای ایالات متحده داشت، دوباره تکرار شود.

اما جدال لفظی میان مقام‌های ایران و اسرائیل، همچنان ادامه دارد. و با رساتر شدن صدای طبل جنگ و افزایش احتمال حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، در هفته‌های اخیر به طور محسوس بی‌الا گرفته است. اسرائیل برنامه بحث‌برانگیز هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی علیه موجودیت خود می‌داند و سران حکومت اسلامی ایران در مقابل، مدعی‌اند که برنامه هسته‌ای این ایران صلح‌آمیز است.

اسرائیل و آمریکا، تاکنون بارها تأکید کرده‌اند که اجازه دستیابی به قابلیت تولید و توسعه تسلیحات هسته‌ای را به ایران نخواهند داد و برای ممانعت از دستیابی ایران، همه گزینه‌ها را مدنظر خواهند داشت. دولت راست‌گرای بنیامین نتانیاهو، از مدافعان سرسخت حمله نظامی به ایران در ساختار سیاسی اسرائیل است.

مایکل اورن، سفیر اسرائیل در واشینگتن، گفته است که یک حمله مستقل و یک جانبه اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای ایران، در صورتی که موفقیت‌آمیز باشد، مورد احترام و حتی قدردانی دولت آمریکا خواهد بود.

بنا به نوشته روزنامه اسرائیلی «معاریو»، اورن در روزهای اخیر در جریان سفری کوتاه به کشورش گفته است تاریخ نشان داده که آمریکا، همواره از تصمیمات اسرائیل، حتی اگر پیش از عملی شدن آن‌ها مورد مخالفت این کشور بوده است، در صورت اجرای درست این تصمیمات، حمایت و حتی قدردانی نیز کرده است زیرا در نهایت، تأمین‌کننده منافع آمریکا است.

به نوشته معاریو، سفیر اسرائیل در آمریکا از

جمله به این تصمیمات مهم برای اسرائیل که سران وقت آمریکا به شدت با آن مخالفت کرده بودند، اشاره کرده است: عملیات نظامی «کادش» در سال 1956، نبرد «شش روز» سال 1967، بمباران تأسیسات ناتمام کوره اتمی در دیرالزور در شرق سوریه در ششم سپتامبر 2007؛ و جرج بوش رییس جمهوری وقت آمریکا که با این حمله مخالفت کرده بود، پس از اجرای آن با فرمان اهود اولمرت نخست وزیر وقت اسرائیل، با لحن حامیانه قاطعانه‌ای از آن در کنگره آمریکا دفاع کرد.

در تازمترین واکنش‌های مقام‌های حکومت اسلامی ایران، علی‌اکبر صالحی، وزیر خارجه ایران گفته است: «اسرائیل در جایگاهی نیست که بتواند چنین تهدیدی را عملی کند، اما ما هر تهدیدی را هر چند جزئی جدی می‌گیریم و برای مقابله با آن خود را آماده می‌کنیم.» به اعتقاد وزیر خارجه ایران، این تهدیدها تنها جنبه «جوسازی و جنگ روانی» دارد.



در چنین شرایطی، ضروری‌ست که هم مردم آگاه ایران و هم اسرائیل، موضع قاطع و محکمی علیه جنگ‌طلبی حکومت‌هایشان اتخاذ کنند تا جلو جنگ احتمالی را بگیرند. اگر یک افکار عمومی قوی در داخل اسرائیل و ایران، همچنین در سطح بین‌المللی علیه جنگ‌طلبان شکل نگیرد دور از انتظار نیست که وضعیت موجود از یک حالت جنگ روانی لفظی، به یک جنگ گرم تبدیل شود و تر و خشک را با هم بسوزاند.

سران و مقامات حکومت اسرائیل و همچنین حکومت اسلامی، زبانی جز زبان سرکوب و خشونت و جنگ، زبان دیگری سرشان نمی‌شود. مگر این که یک افکار عمومی قوی، آن‌ها را به عقب‌نشینی وادار سازد!

همگان آگاهند که اگر جنگی بین اسرائیل و ایران آغاز شود پایان این جنگ احتمالی، بسیار هولناک خواهد بود و چه بسا به تغییر جغرافیای منطقه منجر شود؛ و صدها هزار کشته و میلیون‌ها زخمی و آواره و صدها میلیارد دلار هزینه در ایران و اسرائیل و یا حتی در کشورهای منطقه، بر جای بگذارد. اگر حمله‌ای به ایران صورت گیرد بخش اعظم مردم این کشور، شدیدتر از گذشته، به اعماق فجایع انسانی و اقتصادی و اجتماعی فرو خواهند رفت.

تاریخ نشان داده است که حکومت‌های رنگارنگ سرمایه‌داری سنگمرگ و استثمارگر، جنگ‌طلب، سلطه‌جو، متجاوز، آدمکش، صرفاً در جهت منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی‌شان، همواره به دنبال تشنج و رقابت و اهداف ضدانسانی‌شان می‌گردند و در این راستا، هیچ ملاحظه‌ای نیز از قربانی کردن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و بی‌دفاع ندارند.

هم‌اکنون در مناقشه فعالیت‌های اتمی حکومت اسلامی، باید هم خواهان متوقف کردن فعالیت‌های اتمی این حکومت بود و هم خواهان متوقف کردن تولید این سلاح‌های مرگبار در سطح جهانی و نابودی همه سلاح‌های اتمی و شیمیایی و برچیده

شدن پایگاه‌های اتمی در جهان و اسرائیل بود. مسلم است که تمامی تسلیحات، اعم از سلاح‌های معمولی، هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی باید از عرصه حیات اجتماعی انسان حذف شوند. اگر همه ابزارهای اتمی، شیمیایی و میکروبی نابود شوند بشر نفس راحتی خواهد کشید و برتری-طلبی نظامی و سلطه‌جویی نیز کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر، در شرایطی که اکثریت مردم ایران، به دلایل گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از حکومت اسلامی متنفرند و برای سرنگونی آن تلاش می‌کنند از یکسو آغاز این جنگ، به مبارزات سیاسی و اجتماعی جنبش‌های اجتماعی ایران، لطمه خواهد زد و از سوی دیگر، این جنگ ویرانی‌های عظیمی بر جای خواهد گذاشت و باعث مرگ و آوارگی میلیون‌ها انسان خواهد شد. بنابراین، از هر طریق ممکن باید علیه این جنگ احتمالی فعالیت کرد!

مسلم است که مردم اسرائیل و ایران و آمریکا و منطقه و جهان، هیچ خصومت و دشمنی با همدیگر ندارند. از این رو، روشن است که هر انسان و جریان انسان‌دوست، آزادی‌خواه، سوسیالیست، ضدجنگ و ضدخشونت، بدون هیچ‌گونه قید و شرطی، حتی فرضیه جنگ‌های احتمالی را نیز جدی می‌گیرد و صداهای جنگ-طلب را محکوم می‌کند بدون این که طرف حکومت‌های جنگ‌طلب و آدمکش «خودی» و «غیرخودی» را نیز بگیرد. به علاوه این که بر همبستگی و مبارزه انسان‌ها بر علیه هرگونه ستم و استثمار، خشونت و جنگ حکومت‌ها و بر سرنگونی آن‌ها، با قدرت و مبارزه مستقیم توده‌های جان به لب رسیده تأکید می‌ورزد!

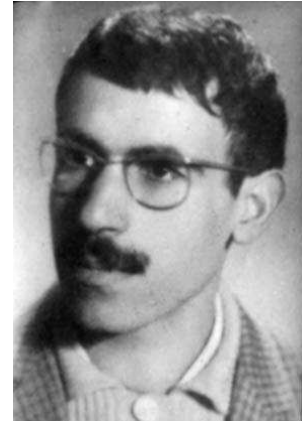
\*\*\*

## فروش تسلیحات آمریکایی به جهان و منطقه خلیج فارس

براساس گزارش‌های جدید، آمریکا در سال 2011، سه برابر سال قبل آن و به میزان بی‌سابقه‌ای در کل تاریخ این کشور، سلاح فروخته است که این افزایش بیش‌تر از صادرات تسلیحاتی به کشورهای حاشیه خلیج فارس ناشی می‌شود. به گزارش تایمز، درآمد ناشی از صادرات تسلیحات آمریکایی به 66 میلیارد و 300 میلیون دلار در سال گذشته رسید که حدود 78 درصد از بازار جهانی 85 میلیارد و 300 میلیون دلار فروش سلاح را به خود اختصاص داد و آمریکا را در رتبه اول فروش سلاح قرار داده است. روسیه، با فروش چهار میلیارد و 800 میلیون دلاری در رتبه دوم قرار دارد. براساس گزارشی که مرکز تحقیقات غیرحزبی کنگره زیر نظر کتابخانه کنگره تهیه کرده است فروش کلی تسلیحات آمریکایی در سال گذشته به شدت افزایش یافته و نسبت به سال قبل 21 میلیارد و 400 میلیون دلار بیشتر شده است که براین اساس، واشنگتن بیش‌ترین میزان سلاح را در کل تاریخ آمریکا در سال 2011 فروخته است. این کشور در سال 2009 نیز حدود 31 میلیارد دلار از فروش سلاح درآمد داشته است. توافق نامه‌های نظامی با عربستان سعودی شامل فروش 84 فروند جت جنگنده پیشرفته اف 15، انواعی از مهمات، موشک‌ها و حمایت‌های لجستیکی، همچنین روزآمدکردن 70 فروند جت اف 15 نیز در گزارش محاسبه شده است. آمریکا سال گذشته غیر از این تسلیحات قرارداد فروش بالگردهای آپاچی و بلک هوک را نیز با عربستان سعودی امضاء کرد که در مجموع واشنگتن 33 میلیارد و 400 میلیون دلار به ریاض سلاح فروخت. امارات متحده عربی نیز سپر دفاع موشکی (تادپدافند ارتفاع بالا) ساخته کارخانه «لاکهد مارتین» را شامل رادار به همراه 16 فروند بالگرد «شنوک» به ارزش 939 میلیون دلار خریداری کرد. عمان نیز 18 فروند جت جنگنده اف 16 را به ارزش یک میلیارد و 400 میلیون دلار از آمریکا خرید. دیگر توافقی‌نامه‌های مهم فروش سلاح شامل معامله چهار میلیارد و یکصد میلیون دلاری با هند برای فروش 10 فروند هواپیمای سی 17 و قرارداد با تایوان برای فروش سامانه‌های ضد موشک «پاتریوت» به ارزش دو میلیارد دلار است؛ قراردادی که عصبانیت چین را به همراه داشت.

## آموزگار نسل‌ها به مناسبت چهل و پنجمین سالروز مرگ صمد

عباس سماکار



در جهان، آموزگارانمانند صمد بهرنگی که توانسته باشند چندین نسل پیاپی از کودکان و نوجوانان را به شدت تحت تأثیر آموزه‌های انسانی و انقلابی خود قرار داده باشند کم نظیراند.

صمد بهرنگی افزون بر کودکان و نوجوانان، آموزگار جوانان و حتی بزرگ سالان هم هست و هنوز پس از 45 سال که از چشم فروبستن او بر زندگی می‌گذرد، آثارش در ایران و برخی کشورهای دیگر خواننده دارد و به ویژه کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر خود می‌گیرد و به آنان درس زندگی و انسانی زیستن، هدف‌های انسانی را دنبال کردن، زیر بار زور و ستم نرفتن، شرافتمند بودن و زندگی خود را در راه مردم و حقانیت و شرافت انسانی به کار گرفتن می‌دهد.

آدم‌های داستان‌های صمد بهرنگی، نمونه‌های قابل دسترس و قابل آموختن و الگو شدن برای اکثر نوجوانانی‌ست که در زندگی رنج برده‌اند و مزه ستم را چشیده‌اند و راهی برای گریز از شرایط دشوار زندگی خود می‌جویند. صمد، به بچه‌ها می‌گوید: حتی یک کرم شب تاب هم می‌تواند با نور اندکش به روشن کردن تیرگی شب جهان یاری رساند و به سهم اندک خود در پیکار با تاریکی سلطه یافته بر زندگی انسان شرکت کند.

صمد بهرنگی، خود از نسل انسان‌های محروم و تهی‌دست جامعه است که با تکیه به اراده برای برون رفت از دشواری هستی اجتماعی خود، می‌تواند به انسانی بدل شوند که قادر است نه تنها خود را نجات دهد، بلکه نیرو و توانی دارد که در خدمت به دیگر مردم تهی-دست جامعه کارساز است.

صمد، می‌گوید: «قارچ زاده نشدم بی‌پدر و مادر، اما مثل قارچ نمو کردم، ولی نه مثل قارچ زود از پا در آمدم. هر جا نمی‌بود به خود کشیدم، کسی نشد مرا آبیاری کند. من نمو کردم... مثل درخت سنجید کج و معوج و قانع به آب کم، و شدم معلم روستاهای آذربایجان. پدرم می‌گوید: اگر ایران را میان ایرانیان تقسیم کنید از همین بیش‌تر نصیب تو نمی‌شود...»

وی، دوم تیرماه 1318 در محله چرانداب تبریز به دنیا آمد. پدرش کارگر بود و درآمد

ناچیزش کفاف خرج خانواده را نمی‌داد و وقتی برای کار به سوی قفقاز رفت دیگر بازنگشت و خبری از او نشد.

اما صمد، در کنار افراد دیگر خانواده‌اش به هر ترتیب از پس زندگی برآمد، دانش آموخت، معلم شد، به روستا رفت و درس داد و نوشت و به خاطر رعایت نکردن مقررات اسارت‌بیار اداری و آموزگاری و ستم‌گری، رتبه اداری‌اش از دبیری به معلمی دبستان تقلیل یافت و حتی دستگیر شد و تا پایان عمر کوتاهش در آذرشهر، ماماغان، قندجهان، گوگان، و اخیرجان از استان آذربایجان شرقی که آن‌زمان روستا بودند تدریس کرد.

صمد، در این‌باره می‌گوید: «از دانشسرا که درآمدم و به روستا رفتم یک‌باره دریافتم که تمام تعلیمات مریبان دانشسرا کشک بوده است و همه‌اش را به باد فراموشی سپردم و فهمیدم که باید خودم برای خودم فوت و فن معلمی را پیدا کنم و چنین نیز کردم.»

صمد، خود لحظه‌ای از آموختن دست نکشید و ضمن آموزش دادن به کودکان، در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به دوره شبانه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز رفت و تحصیلش را تا خرداد ۱۳۴۱ و دریافت گواهی‌نامه پایان تحصیلات ادامه داد.

صمد در سال 1341 به اتهام «سخن‌های ناخوشایند» از دبیرستان اخراج و به دبستان انتقال یافت.

صمد بهرنگی، دریافته بود که در کنار دادن آموزش خواندن و نوشتن به بچه‌ها باید به آنان درس زندگی نیز داد و آنان را برای مقابله با شداید زندگی و ستمی که در جامعه بی‌داد می‌کند نیز آماده کرد.

داستان‌های صمد بهرنگی، هرکدام خود نمونه زیبایی از این مبارزه و آموزش انسانی زندگی-ست.

وی، در مجموع طی 8 سال، از 1339 تا سال روز مرگش در 1347 دست به نوشتن 22 کتاب داستان برای بچه‌ها زد و مقالات گوناگونی نیز در زمینه مسائل آموزش و پرورش و مسائل اجتماعی نوشت.

نگاهی به فهرست کتاب‌های صمد بهرنگی، نشانه تنوع و گسترده و پیگیری او در کار ادبی، آموزشی و مبارزاتی‌ست.

ماهی سیاه کوچولو، 24 ساعت در خواب و بی-داری، یک هلو هزار هلو، دو گربه روی دیوار، کچل کفتز باز، سرگذشت دومرول دیوانه سر، کوراغلو و کچل حمزه، به دنبال فلک، اولدوز و عروسک سخن‌گو، گرگ و گوسفند، اولدوز و کلاغ‌ها، افسانه محبت، قصه آه، موش گرسنه، عادت، پیرزن و جوجه طلانی‌اش، آدی و بودی، پوست نارنج، بز ریش سفید، تلخون، سرگذشت دانه برف، بی‌نام، و مجموعه مقالات.

آثار صمد بهرنگی، افزون بر جنبه انسانی و مبارزاتی و پیشرفته آن‌ها، از نظر ادبی و ساختار داستان‌نویسی جزو آثار با ارزش ادبیات کودکان به شمار می‌آید که برخی از این کتاب‌ها نظیر «ماهی سیاه کوچولو» در سطح جهانی مورد استقبال بوده، جوایز جهانی به آن تعلق گرفته و فیلم‌های نقاشی متحرک نیز از آن تهیه شده است. صمد بهرنگی، ترجمه‌هایی نیز از انگلیسی و ترکی استانبولی به فارسی و از فارسی به آذری (از جمله ترجمه شعرهایی از مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، و نیما یوشیج) انجام داد. تحقیقاتی نیز در جمع‌آوری فولکلور آذربایجان و نیز در مسائل

تربیتی از او منتشر شده است.

صمد، در سال 1342، کتاب الفبای آذری برای مدارس آذربایجان را نوشت که این کتاب به پیشنهاد جلال‌الاحمد برای چاپ به کمیته پیکار جهانی با بی‌سوادی فرستاده شد. اما صمد بهرنگی، با تغییراتی که قرار بود آن کمیته در کتاب ایجاد کند با قاطعیت مخالفت کرد و پیشنهاد پول کلان را هم نپذیرفت و کتاب را پس گرفت و باعث برانگیختن خشم و کینه عوامل ذی‌نفع در چاپ کتاب شد.

سال 1343، همراه بود با تحت تعقیب قرارگرفتن صمد بهرنگی به خاطر چاپ کتاب «پاره پاره» و صدور کیفرخواست از سوی دادستانی عادی و ارتش یکم تبریز و سپس صدور حکم تعلیق از خدمت به مدت 6 ماه. در این سال، وی با نام مستعار افشین پرویزی کتاب انشاء ساده را برای کودکان دبستانی نوشت. در آبان همین سال، حکم تعلیق وی لغو گردید و صمد به سر کلاس بازگشت. سال‌های میانی دهه چهل، مصادف بود با دستگیری و اعدام تعدادی از نزدیکان صمد به دست رژیم شاه و شرکت او در اعتصابات دانشجویی.

صمد بهرنگی، در شیوه آموزشی و مضمون قصه‌های خود تلاش می‌کرد روح اعتراض به نظام حاکم را در دانش‌آموزانش پرورش دهد. پای پیاده در روستا راه می‌افتاد و اگر کسی کتابخانه‌ای تاسیس کرده بود او را تشویق می-کرد و به مجموعه کتاب‌هایش، کتاب‌هایی می-افزود. بچه‌ها را به ویژه تشویق به مطالعه می-کرد و هر چه از جذابیت و روش‌های دوست داشتنی برای این گروه سنی می‌دانست به کار می‌گرفت تا بچه با کتاب به عنوان یک همراه همیشگی در تمام طول زندگی مانوس باشند. می-گفت که کتاب بخوانند و سپس آن را در جملاتی ساده برای دیگران خلاصه‌نویسی کنند.

در این دوران بود که ساواک، به برخی از فعالیت‌های صمد بهرنگی حساس شد. تهدیدها آغاز شد و چندین بار در طول دوران زندگی خود مورد توبیخ و جریمه و حتی تبعید قرار گرفت. با این همه، گویی او به این‌گونه امور حساسیتی نشان نمی‌داد و در روحیه او خللی ایجاد نمی‌کرد.

صمد بهرنگی، در نهم شهریور ۱۳۴۷، در رود ارس و در ساحل روستای شام‌گوالیک غرق شد و جسدش را چند روز بعد در ۱۲ شهریور در نزدیکی پاسگاه کلاله در چند کیلومتری محل غرق شدنش از آب گرفتند. جنازه وی، در گورستان امامیه تبریز دفن شده است. ده روز قبل از غرق شدن صمد، تعدادی از مامورین ساواک به خانه محل سکونت وی هجوم برده و وی را تهدید نموده بودند. حدود یک‌ماه قبل از این حادثه، کتاب ماهی سیاه کوچولو چاپ شده و مورد اقبال مردم ایران و جهان واقع شده بود. نظریات متعدد و مختلفی درباره مرگ بهرنگی وجود دارد که فرصت پرداختن به آن‌ها در این گفتار کوتاه نیست.

صمد بهرنگی، چشم از جهان فرو بست، اما آثار او، آوازه روش انقلابی آموزگاران او و شخصیت برجسته و انقلابی‌اش زبان‌زد مردم شد و نام او از مرزهای سانسور و سرکوب گذشت و جهانی شد.

صمد بهرنگی، در عین حال یکی از فعالین سیاسی شاخه تبریز چریک‌های فدائی خلق بود که عمرش کفاف نداد تا نتایج و تأثیرات این مبارزات را ببیند.

یاد این آموزگار نسل‌ها گرامی باد!

بیانیه کانون نویسندگان ایران  
در باره زمین لرزه  
آذربایجان شرقی

حسن حسام: من کافر



برای بچه‌های خونین جامعه ما و اسیران  
اردوگاه‌های حکومت اسلامی ایران

من کافر

بر کفر خویشتم

ایمان دارم

و از خدای شما و امام و رهبرتان

چون روح مرگ

بی‌زارم

بر باد

باد

جان جهان‌تان

در گردباد پر تف توفان مردمان

برچیده باد خیمه بی‌داد

در شعله شکفته فریاد

و گر گرفتن عمامه‌ها و عباها

و ریش‌ها و قباها

ایران ما

جهنمتان باد

بی‌دلان

###

روزی اگر که (غصه سر آید)

بر گور آن امام جماران

سردسته تمام جباران

خواهم نوشت

با تف و تحقیر:

نفرت به تو

و دودمات باد

ای سید اسیر کش چلاد

عصر روز شنبه بیست و یکم مرداد دو زمین لرزه آذربایجان شرقی را لرزاند. حاصل آن تاکنون صدها کشته و هزاران زخمی، مصدوم و بی‌خانمان بوده است. ویرانی صد درصدی بعضی روستاها و خرابی گسترده‌ای که در منطقه به بار آمده گوشه دیگری از این فاجعه است. کانون نویسندگان ایران، به بازماندگان این رویداد تلخ عمیقاً تسلیت می‌گوید و خود را در اندوه مردم آذربایجان شرقی شریک می‌داند.

نخستین بار نیست که با لرزش زمین هزاران نفر از هستی ساقط می‌شوند و تا سالیان دراز بار پیامدهای فجیع آن را به دوش می‌کشند. اما لرزش زمین بیش از آن که دلیلی بر ویرانی باشد، گواه سستی بناهایی است که در اغلب موارد انسان-های زحمت‌کش را در خود جای داده‌اند.

در چنین شرایطی، کودکان و مردان و زنان جان می‌سپارند نه از آن‌رو که طبیعت زمین زیر پایشان را به لرزه در می‌آورد، بلکه از آن‌رو که سقف بالای سرشان از مقاومت و استحکام لازم برخوردار نیست، سقفی که نشان شرایط غیرانسانی اقتصادی و اجتماعی و بی-توجهی درازمدت حکومت نسبت به مردم زحمت‌کش است. مردم زلزله زده آذربایجان، همچون مردم بسیاری مناطق دیگر، قربانی این شرایط و این بی‌توجهی هستند و گر نه زمین لرزه‌هایی به مراتب قوی‌تر نیز نمی‌تواند آسیب جدی به کسی بزند.

همه به یاری زلزله‌زدگان بشتابیم و آن‌ها را در راه دشواری که دارند یاری دهیم. نگذاریم که با درد و رنج خود تنها بمانند. باشد که محبت ما مردم مرهمی باشد بر زخم‌های آنان.

کانون نویسندگان ایران

23 مرداد 1391

نفرت به جانشینانت  
نفرت به زاد و رودت باد  
###  
من کافر  
بر کفر خویشتم  
ایمان دارم  
و از خدای شما و نظام و رهبرتان  
چون روح مرگ  
بی‌زارم  
این‌جا  
بر این سراچه‌ی تبعید  
امروز  
مثل همه روز  
منتظر  
هم‌دست موج  
موج  
مردم در اوج  
با عشق و کینه  
می‌رانم

تا این فلات سوخته و خونین  
مثل بهار تازه نفس  
سبز و

تر و

جوان بشود

چون باغ عاشقان بشود

###

دریا هوای توفان دارد

می‌دانم

می‌دانم

می‌دانم

من با شما دلیران

بیدار مردمان

انبوه بی‌شماره باران

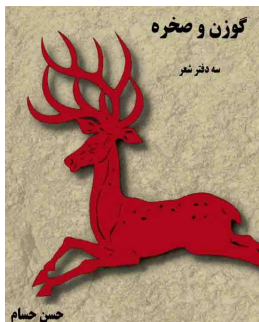
بر موج سرنوشت

می‌رانم

می‌رانم

می‌رانم

از کتاب گوزن و صخره - سه دفتر شعر



ادامه اطلاعیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، فاجعه زلزله آذربایجان شرقی...

دیگری از مردم همچنان در خطر خواهد بود. ولی جمهوری اسلامی که در مقابل هرگونه اعتراض و حق‌خواهی مردم فوراً تمام نیروهای زمینی و هوایی و امکانات ویژه‌اش را برای سرکوب به کار می‌گیرد و در مدت بسیار اندکی قادر به بسیج نیروی نظامی‌اش برای دفاع از خود است، در قبال آن‌چه به زندگی مردم و نیاز آنان به کمک‌های اولیه برای زنده ماندن مربوط می‌شود، کمترین اقدام را در دستور کار قرار می‌دهد. روزنامه‌ها نوشته‌اند که امام جمعه قم آیت‌الله سعیدی فرموده‌اند: «دانشمندان ما باید تحقیق کنند، ببینند در این موقعیت حساس واقعا این حادثه آذربایجان زمین لرزه بوده، که سرمنشاء آن فساد و بی‌حجابی است، یا از طرف استکبار و صهیونیسم یک نوع حمله نظامی یا یک زلزله سیاسی به ما وارد شده است.» این نمونه‌ای از «احساس مسئولیت» جمهوری اسلامی در برابر فاجعه‌های دردناک وارد آمده به مردم ایران است. افزون بر این باید ذکر کرد که جمهوری اسلامی مانند آنچه در مورد زلزله شهر بم اتفاق افتاد، میزان کمک‌های بین‌المللی را در این زمینه نیز به حیث میل مسئولان وامی‌گذارد و خرابی و نکبت حاصل از این واقعه دردناک بر تن و جان مردم باقی خواهد گذاشت. کانون نویسندگان ایران در تبعید، در دفاع از حقوق مردم و صدای اعتراض در گلو مانده آنان برای کمک‌خواهی و دادرسی، با محکوم کردن ارتجاع جمهوری اسلامی، از همه مردم آزاده ایران درخواست می‌کند که با هر وسیله که برایشان ممکن است خود مستقیماً و بدون واسطه سرکوب‌گران جمهوری اسلامی، به یاری مردم آسیب‌دیده شهرستان اهر و... بشتابند و صدای اعتراض خود را در برابر این بی‌داد رژیم جمهوری اسلامی به گوش مردم جهان برسانند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید

22 مرداد 1391

معرفی کوتاهی از آثار  
«اسد رخساریان»

اسد رخساریان، عضو کانون نویسندگان ایران در تبعید و عضو انجمن قلم ایران در تبعید است. اسد، در سال 1989، اولین دفتر شعرش را که «چکامه باستانی جهان» نام داشت، در استکهلم با سرمایه شخصی خود منتشر کرد. دو سال پس از آن، دومین دفتر شعرش «عطر نان و بوی غنچه سرخ» را چاپ و پخش کرد. در 1994، بروشور کوچکی به نام «اریک هرمه‌لین کیست و چه کرد» (1)، در باره اریک هرمه‌لین، مترجم بزرگ آثار کلاسیک فارسی به سوئدی را توسط نشر رویا انتشار داد. بو اوئاس استاد زبان و ادبیات ایرانی در دانشگاه ایسالا در آن سال ها معرفی کوتاهی از آن، در بولتن کتابخانه شهر لوند ارائه داد. این نخستین بار بود که هرمه‌لین برای عاشقان زبان و ادبیات ایرانی در میان مهاجران ایرانی در سوئد، معرفی می‌شد. هرمه‌لین به تنهایی خود یک دانشکده زبان و ادبیات است. کار وی در این دانشکده، به آموزش و تجسس در دایره زبان و ادبیات فارسی در این ادبیات سوئد محدود بوده است. اسد، بخشی از این آموزش و تجسس را در مجموعه مقالاتی به نام «اریک هرمه‌لین کیست و چه کرد» (2)، در سال 1996 انتشار داد. کتاب های نامبرده در بسیاری از کتابخانه‌های سراسری سوئد قابل دریافت است.

اسد می‌گوید: تا آنجایی که به یاد دارم؛ حسرت و شوق سرودن شعر همیشه در من انگیزه اندشیدن، گریز زدن به رویاها و تنهایی و نیز سبب‌ساز مطالعه دائمی شعر ایران و جهان بوده است. من هر وقت سعی کرده‌ام که شعری بنویسم آن را نتوانستم سر و صورتی شاعرانه بدهم. اما شده است که خود شعر در هستی من خود را بگسترده و به بار بنشیند. از این رهگذر سروده‌هایی را پیش-تر دوست می‌دارم که ریشه در حوادثی عاشقانه، اجتماعی و تاریخی داشته‌اند. به همین دلیل نیز بیش‌تر از گذشته‌ها بر خود سخت می‌گیرم و کمتر از آن‌چه که ترجمه می‌کنم و دربار ادبیات و شعر و داستان و رمان می‌نویسم، شعر می‌سرایم. اما پس از دو دفتر نخستین، تازه در تایلستان امسال مجموعه‌ای برای انتشار در اختیار «نشر ارزان» در استکهلم قرار داده‌ام، که قرار است در پاییز به صورت کتاب ارائه شود.

در زمینه ترجمه شعر پس از سال‌ها جست‌وجو و مطالعه و کار در سال 2000، مجموعه ترجمه‌هایم از شعر مدرن ایران با همیاری توماس آندرشون به نام «Musaiakens Turkosa Eko» توسط نشر ارزان چاپ و منتشر گردید. جلد دوم این ترجمه‌ها در راه است. نیز آنچه از شعر سوئد خاصه از شاعران صد سال اخیر این کشور به فارسی برگردانده‌ام، مجموعه‌ای است که برای انتشار آماده دارم. اما مساله این است که دستی از جیبی

برون آید و کاری بکنند! از کتاب‌های آماده انتشارم مجموعه نوشته‌ها و نقدها و نگرش‌هایم بر رمان‌های بزرگی است که خوانده‌ام و شاعران تاثیرگذاری است که شیوه‌های نو و نگرش‌های تازه و احساسات و اندیشه‌هایی بکر و بدیع از خود به یادگار گذاشته‌اند. برگردان هر دو بخش «سلام بر حیدربابا» از شهریار عزیزم به فارسی منظوم است. کتاب خاطرات آخرین روزهای زندگی سون دلبلاتک، نویسنده مشهور سوئدی است که با همکاری داستان‌سرای خوبمان ناصر زراعتی میسر شده است و...

\*\*\*

دو شهر تازه از اسد رخساریان به  
زبان‌های فارسی و ترکی آذری:پاشو کوچولو  
«به قربانیان و سوگواران زلزله  
در آذربایجان»

پاشو کوچولو!  
من دارم دیوانه می‌شوم.  
یکی به سرت روسری بسته است.  
یکی هم توسری زده است به سرت.

پاشو کوچولو!  
من دارم دیوانه می‌شوم.  
در چهار سالگی



با رنجی چهل ساله، آشنا شده‌ای؛

باید پیام تیریک شاعرانه‌ای به روزنامه‌ها بدهم.

به نام نامی رهبر

که نماد شعر عصر جاهلیت است،

و میمون دستگاه عزا و عذاب و جزا،

و ملت طوق لعنت به گردن و

زنجیر شرعیات به دست و پای؛

که امام می‌سازد و امامزاده و

حرام‌زدگانی

همه تجسم ناپاکی!

و تشنگان خون آدم خاکی!

عکس تو را، از این روزنامه‌ها در آوردم؛

این ورق پاره‌ها را من نمی‌خوانم،

اما عمق فاجعه را

در دست‌های بی‌گناه تو می‌بینم.

و این‌گونه چون پیرزنان داغ‌دیده نشستنت،

و گریستنت،

و اشک‌هایت را

غریبانه، با دستمالی غریب پوشاندنت.

ای‌وای من!

که غم، چون آتشی

دارد تو را جز غاله می‌کند.

و قلبت را می‌فشرده.

و نمیدانی که اسم این همه چیست.

و فقط گریه است که خوب می‌شناسی‌اش

و آن هم شاید شروع دیوانگی‌ست!

پاشو کوچولو!

بابا نمی‌آید تو را ببرد.

مادر هم،

لالایی دیگر نخواهد خواند.

پاشو کوچولو!

گریه پس است.

در آستان دیوانگی

خدا گفته است به من

به خاطر تو

سر تمام آدم‌ها داد بزنم!

اشک‌هایم را بریزم در کف دست‌هایم

در کوچه‌ها و خیابان

فقط بگویم:

آی آدم‌ها!

آی آدم‌ها!

آی...

۲۵ مرداد ۱۳۹۱

## قان سه‌پیر قلم!

«دریالار مرکب، منشعلر قلم»  
دریالار جوشور، هوشله‌تیر قلم

دریالار طوفان، داغ باشی دومان  
یوردوم داغلب، آغلییر قلم

شپهلر قالخر، هرای سالماغا  
هر کلمه ده، جان و نریر قلم

اتالار تکین، گوز یاشلارندا  
مین دفعه نولیر، دیریلیر قلم

اوشاقلار بیردن، فنا اولوبدی  
بایاتی یازر، قان سه‌پیر قلم

انسانن انوی یخنلنلر بیردن  
چراغ یاتدنرب، سنسینر قلم

گوریر انسانن، دلیلی توتولوب  
آت گیبی هاوادا، کیشنی‌بیر قلم

هردرین دردین، قازر دیبینی  
انلر ارزسن، گوستریر قلم

ظولوم ایچینده، فلک الیندن  
سوموگ اریدیر، توکلیر قلم

«دریالار مرکب، منشعلر قلم»  
یوردوم داغلب، آغلییر قلم

مین اوچ یوز دوغسان بیرده  
مرداد اینن بیر می دوردینده یازیلیمیش